

شکی نیست که نیروهای گریز از مرکز در داخل ایران در حال فعالیت هستند، اما سوالی که من از شما دارم این است که چه پیشنهادی دارید؟

«کمک کنیم تا سقوط کند، بگذاریم سقوط کند...»

چگونه این کار را انجام دهیم؟ پاسخ به این سوال دشوار است. منظوم این است که راه حل اسرائیل بمباران ایران است. یک حمله هوایی گسترده با مشارکت ایالات متحده و اسرائیل علیه ایران. اول از همه، فکر می کنم اگر چیزی باعث اتحاد در ایران شود، همین حمله است. دقیقاً برعکس روشی که شما توصیف می کنید عمل خواهد کرد. اما علاوه بر این، وقتی وارد بحث مهندسی اجتماعی در زمینه سیاست خارجی می شوید، همیشه خودتان را به دردرس بزرگی می اندازید. باید به یاد داشته باشید که ما سعی کردیم مهندسی اجتماعی افغانستان انجام دهیم. چقدر خوب جواب داد؟ مهندسی اجتماعی در عراق چقدر خوب جواب داد؟ ما سعی کردیم مهندسی اجتماعی را در لیبی انجام دهیم؟ چقدر خوب جواب داد؟ من می توانم همین طور برای شما مثال بیاورم و پیش بروم...

«ویتنام...»

دقیقاً. من از سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۵ در ارتش آمریکا بودم که با جنگ ویتنام همزمان بود. در آن سال ها یاد گرفتیم که اگر فکر می کنید می توانید به کشورهایی مانند ویتنام بروید، در عراق و افغانستان مهندسی اجتماعی انجام دهید، خودتان را در دردرس بزرگی خواهید انداخت. باید به شما بگویم، روس ها قبل از ما وارد افغانستان شدند و شکست خوردند. بریتانیایی ها قبل از روس ها در افغانستان بودند و شکست خوردند. فرانسوی ها قبل از ما در ویتنام بودند و شکست خوردند. ضمناً، بعد از اینکه ما در سال های ۱۹۷۵ و ۱۹۷۹ ویتنام را ترک کردیم، چینی ها به ویتنام حمله کردند و آنها هم شکست خوردند. شما باید از این کشورها دور بمانید. شما نباید درگیر مسائل اجتماعی شوید. شما مطمئناً نباید مهندسی اجتماعی را در دریچه لوله تفنگ ببینید.

«خب، این دوساره بر می گردد به نکته شما در مورد گزینه ترامپ. چیزی که به نظر می رسد دولت ترامپ آن را بسیار واضح تر از اسلاف خود درک می کنند...»

کاملاً معتقدم گرایش اولیه ترامپ در سیاست خارجی، مسائلی که من در مورد آنها می دانم و عمیقاً به آنها اهمیت می دهم، درست است. گرایش او درست هستند. این اجرا است که ترامپ در آن مشکل بزرگی دارد. اجرا بسیار مهم است. اینها مشکلات فوق العاده پیچیده ای هستند. منظورم این است که یکی از اشتباهات اساسی ترامپ در این دوره این بود که فکر می کردم می تواند به راحتی با مشکلات مقابله کند. او فکر می کرد که می تواند وارد شود و جنگ اوکراین را در عرض یک یا دو روز خاتمه دهد. در واقع او حتی قبل از ورود به کاخ سفید در مورد خاتمه دادن به جنگ اوکراین صحبت می کرد. هر کسی که درگیری اوکراین و روابط ایالات متحده و روسیه را مطالعه کرده باشد، می داند که خاتمه دادن به این درگیری و بهبود روابط با روس ها مستلزم یک تلاش بسیار دشوار است. تقریباً غیر ممکن است که بفهمید چگونه می توانید این کار را انجام دهید. شاید بتوانید این کار را انجام دهید، اما کار بسیار دشواری خواهد بود. اما ترامپ در نظراتش در مورد اینکه چقدر آسان خواهد بود، کاملاً تسهیل انگار بود و حالا متوجه شده که آسان نیست و همین موضوع در مورد ایران و درگیری اسرائیل و فلسطین و تعرفه ها نیز صدق می کند. اینها واقعاً مسائل پیچیده ای هستند. به همین دلیل است که ما به متخصصان و کارشناسان تکیه می کنیم و ترامپ متخصصان را دوست ندارد. او ترجیح می دهد به گرایش خود تکیه کند. همانطور که وقتی در مورد چگونگی تصمیم گیری در مورد سیاست تعرفه صحبت کرد، گفت که ترجیح می دهد به گرایش خود تکیه کند. شما نمی توانید به گرایش خود تکیه کنید. شما باید به متخصصان تکیه کنید. زیرا اینها مسائل فوق العاده پیچیده ای هستند. البته ترامپ تصمیم گیرنده نهایی است و شکی در این مورد نیست و باید هم همینطور باشد. اما او باید به افرادی که این مشکلات را مطالعه کرده اند گوش دهد و به آنها

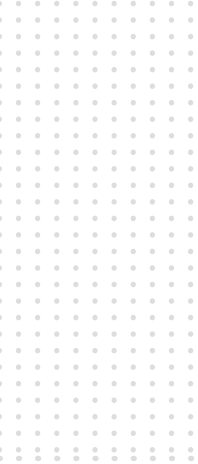
اجازه دهد به او کمک کنند تا بفهمد چگونه از این مشکلات خارج شود. اما او این کار را نکرده است.

«شما قبلاً در مورد اینکه یکی از مشکلات سیاست خارجی این است که تمرکز بر روی یک توپ وقتی توپ های زیادی در هوا هستند، بسیار دشوار است، صحبت کردید. اخیراً یک حمله تروریستی وحشتناک در هند اتفاق افتاد و حالا باعث یک درگیری بالقوه هسته ای شده که تحلیلگران غربی اغلب فراموشش می کنند. چون ما خیلی روی خاورمیانه و اخیراً اوکراین و شاید چین و تایوان تمرکز کرده ایم. اما اگر هند و پاکستان وارد جنگ شوند، یک جنگ تمام عیار خواهد بود. آیا آمریکا راهی برای تعدیل این درگیری دارد؟»

جالب است. من پنجشنبه، جمعه و شنبه در یک کنفرانس در دانشگاه بیل بودم که به هند اختصاص داشت. درست قبل از شروع کنفرانس که حمله تروریستی در کشمیر اتفاق افتاد. بنابراین به دلایل واضحی در چند روز گذشته داشتیم به درگیری هند و پاکستان فکر می کردم، خیلی جالب است که این روزها پیدا کردن یک بحث جدی در مورد این درگیری در روزنامه ها سخت است. چون کلی مسائل دیگر مثل اوکراین هم هست. تعرفه ها، موضوع ایران و غیره و غیره که بر مباحث غلبه کرده اند. بنابراین این موضوع به شکلی به حاشیه رانده شده است. این یک وضعیت بسیار خطرناک است. این دو کشور مسلح به سلاح هسته ای هستند که سابقه جنگ دارند و در گذشته ایالات متحده در بحران بین این دو کشور مداخله کرده است تا آنها را آرام کند. ما عمدتاً سعی کرده ایم مطمئن شویم که هندی ها حمله بزرگی علیه پاکستان انجام نمی دهند تا پاکستان مجبور نشود از سلاح های هسته ای استفاده کند. اما شما این حس را ندارید که دولت ترامپ توجه دقیقی به این درگیری داشته باشد یا اینکه رئیس جمهور ترامپ به شکلی اساسی برای کاهش تنش ها بین دو کشور وارد شده باشد. زیرا او مشغول مسائل دیگر است. بیابید امیدوار باشیم که این مورد از کنترل خارج نشود و شما یک جنگ واقعی نداشته باشید و در آن از سلاح های هسته ای استفاده شود. اگر به توازن قوای متعارف بین پاکستان و هند نگاه کنید، می بینید که توازن به نفع هند است. ما همیشه از این می ترسیم که درگیری ای که در سطح متعارف آغاز شده است، به سطح هسته ای تشدید شود، زیرا پاکستانی ها احساس می کنند که اگر در سطح متعارف شکست بخورند، مجبور به روی آوردن به سلاح های هسته ای می شوند. هیچ یک از اینها به این معنی نیست که در گذشته یا حتی اکنون جنگی رخ داده و از سلاح های هسته ای استفاده می شود، اما واقعیت این است که پتانسیل واقعی برای یک جنگ واقعی و پتانسیل واقعی برای استفاده از سلاح های هسته ای وجود دارد و در چنین شرایطی ایالات متحده باید عمیقاً در تلاش برای حل و فصل این موضوع درگیر شود. اما من حس نمی کنم که ما کاری کرده باشیم.

«شما چند بار به چین اشاره کردید. به نظر من بنگاه کردن به تقریباً هر کاری که دولت ترامپ انجام می دهد، چین به طور فزاینده ای تمرکز استراتژیک اصلی اوست و تمام سر و صدا و خشمی که دولت ترامپ در صحنه جهانی ایجاد می کند، همیشه یک عنصر چینی در آن وجود دارد؟»

یادتان باشد در مورد دولت اول ترامپ چه گفتیم. تنها تغییر اساسی که در سیاست خارجی با سیاست داخلی آمریکا در دولت اول او ایجاد شد، در رابطه با رویکرد ما در قبال چین بود. تا قبل از ورود ترامپ به کاخ سفید، ایالات متحده سیاست تعامل با چین را دنبال می کرد. این سیاست در دولت های جمهوری خواه و دموکرات صادق بود. هم دولت کلینتون و هم دولت جورج دبلیو بوش نقش کلیدی در ورود چین به سازمان تجارت جهانی داشتند که به چین کمک کرد تا اقتصاد خود را به سرعت رشد دهد. اما وقتی ترامپ در سال ۲۰۱۷ به قدرت رسید، تعامل را کنار گذاشت و ۱۸۰ درجه تغییر جهت داد و سیاست مهار را در پیش گرفت. بنابراین ترامپ مدت هاست که چین را به عنوان یک تهدید بالقوه زیر نظر دارد و همانطور که گفتیم، او همچنین در دولت اول خود به بهبود روابط با روس ها علاقه مند بود، زیرا می خواست روابط



کاملاً معتقدم گرایش اولیه ترامپ در سیاست خارجی، مسائلی که من در مورد آنها می دانم و عمیقاً به آنها اهمیت می دهم، درست است. گرایش او درست هستند. این اجرا است که ترامپ در آن مشکل بزرگی دارد. اجرا بسیار مهم است. اینها مشکلات فوق العاده پیچیده ای هستند. منظورم این است که یکی از اشتباهات اساسی ترامپ در این دوره این بود که فکر می کردم می تواند به راحتی با مشکلات مقابله کند. او فکر می کرد که می تواند وارد شود و جنگ اوکراین را در عرض یک یا دو روز خاتمه دهد. در واقع او حتی از ورود به کاخ سفید در مورد خاتمه دادن به جنگ اوکراین صحبت می کرد. هر کسی که درگیری اوکراین و روابط ایالات متحده و روسیه را مطالعه کرده باشد، می داند که خاتمه دادن به این درگیری و بهبود روابط با روس ها مستلزم یک تلاش بسیار دشوار است

یکشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۴
سال چهارم - شماره ۷۸۲
www.hammihanonline.ir

خوبی با روس ها داشته باشد تا بتوانیم به سمت آسیا بچرخیم و روس ها را از چینی ها جدا کنیم. بنابراین از همان ابتدا، ترامپ بسیار به سمت مهار چین گرایش داشت. بایدن هم همین مسیر را ادامه داد. بایدن به سیاست تعامل با چین برگشت، او به سیاست مهار پایبند بود و در واقع می توان استدلال کرد که بایدن در مورد مهار چین نسبت به ترامپ در دولت اولش سخت گیرتر بود. اکنون ترامپ دوباره به سراغ چین رفته است. اومی خواهد روی چین تمرکز کند. این همان چیزی است که ما قبل از اینکه روی پیت هگرتز تمرکز کنیم، در مورد آن صحبت می کردیم. هگرتز یک چین ستیز است. اومی خواهد چین را مهار کند. هیچ شکی در این مورد وجود ندارد. اما اینجا چه اتفاقی افتاده است؟ از سال ۲۰۱۷ که ترامپ برای اولین بار وارد کاخ سفید شد، موازنه قدرت بین چین و ایالات متحده به نفع چین تغییر کرده است. ما هنوز هم هستیم. یعنی ایالات متحده هنوز قدرتمندترین کشور روی کره زمین است. چین به وضوح شماره دو است، اما چین در حال کاهش فاصله است و ایالات متحده در ترس مرگباری زندگی می کند مبنی بر اینکه چینی ها قرار است بر فناوری های پیشرفته تسلط پیدا کنند. ما با چینی ها رقابت داریم بر سر اینکه چه کسی قرار است فناوری های پیشرفته را توسعه دهد و ترس بزرگ در ایالات متحده این است که چینی ها ما را در این رقابت شکست دهند و این عواقب اقتصادی بزرگی خواهد داشت. علاوه بر این، اقتصاد چین رشد می کند و شکاف بین اندازه خود و اندازه اقتصاد آمریکا را پر می کند. چین این توان اقتصادی را می گیرد و آن را به قدرت نظامی تبدیل می کند. بنابراین ارتش چین با گذشت زمان قدرتمندتر و قدرتمندتر می شود. چینی ها ناهتیا در حال ساخت نیروهای نظامی هستند که در شرق آسیا خواهند بود، بلکه در حال توسعه قابلیت نمایش قدرت نیز هستند. آنها در حال ساخت نیروی دریایی آب های آزاد هستند. آنها ارتشی می خواهند که بتواند با اینکار کمر بند جاده آنها هم خوان باشد. چینی ها در حال تقلید از ایالات متحده هستند و این واقعاً آمریکایی ها را می ترساند و آمریکایی ها می خواهند دوباره چین را مهار کنند. همانطور که گفتیم، این سیاست در مورد دولت بایدن هم صادق بود و مطمئناً در مورد دولت ترامپ نیز صادق است. اما چیزی که شاید بخواهید بفهمید این است که چون ما در خاور میانه گیر افتاده ایم و در اوکراین گیر افتاده ایم، برای ما بسیار دشوار است که به سمت آسیا چرخش کنیم. بهترین نمونه این موضوع یک مثال بسیار مهم، جنگ ما علیه حوثی ها است. ایالات متحده تعداد زیادی از دارایی های دریایی خود را در دریای سرخ و اطراف آن به منظور مبارزه با حوثی ها مستقر کرد. آنچه اتفاقی می افتد این است که ما مقادیر زیادی مهمات را علیه حوثی ها صرف می کنیم که برای شرق آسیا مورد نیاز است. تعداد زیادی نیروی دریایی در خاور میانه داریم که باید در شرق آسیا باشند. این مسئله به شما نشان می دهد که مادر هر چرخش به سمت آسیا برای مقابله با چین با چه مشکلاتی مواجه هستیم و همه اینها در حالی است که چین از نظر نظامی در حال قدرتمندتر شدن است. اینجا دوباره به سناریوی ایران برمی گردیم، آیا واقعاً می خواهیم یک جنگ بزرگ علیه ایران آغاز کنیم که برای مدت طولانی ادامه داشته باشد؟

«فکر می کنم منظور شما در رابطه با چین چیزی است که در روابط بین الملل از آن با عنوان «تله توسیدید» یاد می کنند. به نظرم گرهام آلیسون برای اولین بار این ایده را مطرح کرد. در ابتدا اینطور بود که دو ابر قدرت نمی توانند واقعاً در کنار هم وجود داشته باشند یا حداقل یک ابر قدرت نمی تواند بدون وقوع یک جنگ بزرگ جایگزین ابر قدرت دیگری شود. آیا فکر می کنید این تله ناگزیر ایجاد شده است؟ آیا یک درگیری بزرگ بین چین و آمریکا اجتناب ناپذیر است؟»

بگذارید به شما بگویم استدلال اصلی من در اینجا چیست. تله ی توسیدید استدلالی است که گرهام آلیسون مطرح کرده و با استدلال من متفاوت است. استدلال من این است که هر قدر بزرگی در یک دنیای ایده آل می خواهد بر منطقه ی خود تسلط داشته باشد. می خواهد یک هژمون منطقه ای باشد. می خواهد قدرتمندترین قدرت در منطقه ی خود در جهان باشد و همچنین می خواهد مطمئن شود که هیچ هژمون منطقه ای رقیبش نیست. ایالات متحده تنها هژمون منطقه ای در تاریخ مدرن است. ما بر نیمکره ی غربی تسلط داریم. هیچ تهدیدی از سوی هیچ کشور دیگری ایالات متحده را تهدید نظامی نمی کند. در عین حال، ما تمام تلاش خود را می کنیم تا مطمئن شویم هیچ هژمون منطقه ای دیگری چه در اروپا و چه در شرق آسیا وجود نداشته باشد. بنابراین ما تمام تلاش خود را کردیم تا به شکست آلمان امپریال، آلمان نازی، ژاپن امپریال و اتحاد جماهیر شوروی کمک کنیم. ما نقش کلیدی در انداختن هر چهار کشور به زباله دان تاریخ داشتیم. زیرا ایالات متحده سلطه جویمان منطقه ای رقیب را تحمل نمی کند. مشکلی که ما با چین داریم این است که چین انقدر قدرتمند است که تهدید می کند بر تمام آسیا تسلط یابد. همانطور که ما بر نیمکره غربی تسلط داریم و این برای ایالات متحده غیر قابل قبول است. این تا حد زیادی توضیح می دهد که چرا رئیس جمهور ترامپ در دوره اول، تعامل با چین را کنار گذاشت و سیاست مهار را دنبال کرد. به همین دلیل است که جو بایدن بر سیاست مهار ترامپ دوچندان تأکید کرد، زیرا هر دوی آنها می دانستند که نمی توان به چین اجازه داد به یک هژمون منطقه ای تبدیل شود. در جنگ های جهانی، ایالات متحده برای جلوگیری از تبدیل شدن آلمان به هژمون منطقه ای درگیر شد اما اگر به جنگ سرد فکر کنید می بینید که اتحاد جماهیر شوروی جنگ سرد را بخت و سپس در دسامبر ۱۹۹۱ از هم پاشید. اما بدون جنگ مسلحانه بین ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی. بیابید امیدوار باشیم که رقابت امنیتی که اکنون آغاز شده است و ایالات متحده در تلاش است تا مانع تسلط چین بر آسیا شود، مانند جنگ سرد تمام شود و نه مانند جنگ جهانی اول و دوم. این بسیار مهم است؛ به ویژه از آنجایی که ما در عصر هسته ای زندگی می کنیم، مهم است که جنگی بین چین و ایالات متحده نداشته باشیم. اما احتمال جنگ واقعی هست زیرا چین علاقه زیادی به تسلط بر آسیا دارد. این به نفع چین است و ما هم علاقه زیادی به جلوگیری از تسلط چین بر آسیا داریم.

ترجمه: آریا صدیقی

سیاستمداران



به حملات هند پاسخ دادیم

در پی تازه ترین دور از حملات موشکی هند و پاکستان، «شهباز شریف» نخست وزیر پاکستان روز گذشته گفت: «نیروهای مسلح پاکستان به شکلی هماهنگ پاسخ قوی و قاطعی به تجاوز هند داده اند.» نخست وزیر پاکستان دیروز با «بیلاول بوتو زرداری» رئیس حزب مردم، «گوهر خان» رئیس تحریک انصاف، «مولانا فضل الرحمن» رهبر جمعیت علمای اسلام، «خالد مقبول صدیقی» رهبر جنبش متحد قومی، «حافظ نعیم الرحمن» رهبر جماعت اسلامی، «خالد حسین مقسی» رهبر حزب عوامی بلوچستان و «چودری سالک حسین» از حزب مسلم لیگ پاکستان درباره ی تشدید تنش ها با هند تلفنی گفت و گو کرد. به گزارش شبکه بی تی وی، او سیاستمداران پاکستانی را در جریان «وضعیت پر تنش فعلی و واکنش تلافی جویانه پاکستان به هند» قرار داد. او تأکید کرد: «هند حملات موشکی و پهپادی علیه پاکستان انجام داد، اما پاکستان خویشتن داری فوق العاده ای از خود نشان داد.» نخست وزیر پاکستان گفت که هند پایگاه هوایی نور خان و مکان های دیگری را هدف حملات موشکی قرار داد که جان غیر نظامیان بی گناه را به خطر انداخت.



تماس سران اروپا با ترامپ

آندری سیبیها، وزیر خارجه اوکراین با انتشار یک عکس از رابزنی تلفنی سران چهار کشور اروپایی و ژلنسکی با رئیس جمهور آمریکا خبر داد. امانوئل مکرون، رئیس جمهور فرانسه، فردریش مرتس، صدراعظم آلمان، کی یر استارمر، نخست وزیر انگلیس و دونالد تاسک، نخست وزیر لهستان روز گذشته برای دیدار با مقامات اوکراینی وارد کی یف شدند. سفر این مقامات در شرایطی انجام شده که طبق گزارش هفته گذشته «ویترز»، مقامات اوکراین از آمریکا ودلار این کشور میاوس شده اند. طبق این گزارش، اوکراین تغییر از دلار به یورو را بررسی می کند؛ اقدامی که به گفته رئیس بانک مرکزی اوکراین، به «الحاق احتمالی به اتحادیه اروپا و تقویت نقش اتحادیه اروپا» مرتبط است. به گفته وزیر خارجه اوکراین «اوکراین و همه متحدان برای آتش بس کامل و بدون قید و شرط در زمین، هوا و دریا به مدت حداقل ۳۰ روز از روز دوشنبه آماده هستند. اگر روسیه موافقت کند و نظارت مؤثر تضمین شود، آتش بس پایدار را اقدامات اعتماد ساز می تواند راه را برای مذاکرات صلح هموار کند.»



تصمیم سخت نتانیا هو

«دنی ایالون»، سفیر پیشین اسرائیل در آمریکا در سخنانی اعلام کرد، نخست وزیر این رژیم میان دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا و ایتامار بن گویر، وزیر امنیت داخلی رژیم اشغالی باید یکی را انتخاب کند. وبگاه «اسرائیل نیوز ۲۴» گزارش داد که در پی تصمیم دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا مبنی بر لغو شرط عالی سازی روابط با عربستان سعودی در صورت موافقت واشنگتن با برنامه هسته ای غیر نظامی عربستان و پیامدهای این موضوع بر روابط واشنگتن با تل آویو، «دنی ایالون» سفیر پیشین اسرائیل در آمریکا تصریح کرد: «این تصمیم آمریکا با «اسرائیل» هماهنگ نشده بود.» بر اساس گزارش شبکه خبری الجزیره، وی در ادامه افزود بن گویر و اسموئیل نتانیا هو را به بن بست سوق داده و نتانیا هو در نهایت باید بین ترامپ و بن گویر یکی را انتخاب کند. ایالون همچنین تصریح کرد: «این تصمیم تا تل آویو هماهنگ نشده بود. این یک تصمیم آمریکایی است، زیرا هنوز هیچ پاسخ روشنی از طرف اسرائیل وجود ندارد.»

